

## تأثیر آزادسازی و خصوصی سازی صنعت بیمه بر کارایی شرکت های بیمه<sup>(۱)</sup>

اسدالله امیر اصلانی<sup>(۲)</sup>

### چکیده

در این مقاله با بیان فراگیر بودن پدیده خصوصی سازی در دنیا، درباره هدفهای مهم این پدیده بحث و به مواد موجود مربوط به خصوصی سازی در قانون برنامه سوم اشاره شده است.

در ادامه بحث خصوصی سازی در صنعت بیمه ایران به صورت خاص از دو بعد حصول هدفهای خصوصی سازی در شرایط مختلف و زمان مناسب برای اجرای آن به بحث گذاشته شده است. در بخش بعد آزادسازی و خصوصی سازی بر بهره‌وری و کارایی صنعت بیمه به علت رقابتی شدن بازار، کاهش نرخها، حذف مشکلات و موانع پیش روی اداره شرکت‌های دولتی از قبیل جذب نیروی انسانی مناسب، افزایش سرمایه و جذب منابع مالی و پاسخگویی به تغییرات محیطی و نقش نظارت دولتی در این روند اشاره شده است.

### واژگان کلیدی

خصوصی سازی و آزادسازی صنعت بیمه، بهره‌وری و کارایی، مشکلات و موانع اداره شرکت‌های دولتی، نقش نظارت دولتی.

۱. این مقاله در قالب سخنرانی در هفتمین سمینار بیمه و توسعه ارائه شد.

۲. معاون بانک و بیمه وزارت امور اقتصادی و دارایی.

## مقدمه

آزاد سازی و خصوصی سازی از دو دهه قبل در سطح جهانی و در یک دهه گذشته در سطح کشور ما موجب بحث‌های دامنه داری شده است. کشورهای بسیاری از جمله هند، مصر، برزیل، چین و مالزی در دو دهه گذشته بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی را که قبلاً دولت انجام می‌داد به بخش خصوصی انتقال داده‌اند و یا محدودیت‌هایی را که در مقابل ورود سرمایه گذاران داخلی و خارجی به یک صنعت وجود داشته است برداشته‌اند. برای مثال کشور مالزی راه آهن دولتی را به صورت سهامی به ارزش اسمی یک رینگت (واحد پول مالزی حدود یک سوم دلار) به کارگران واگذار کرد و این امر سبب افزایش بازدهی بیشتر شرکت و ارائه خدمات بهتر به مردم شد. اما این که اصولاً چرا در مراحل مختلف توسعه اقتصادی، دولتها درگیر عملیات اقتصادی شده و چرا در طول فعالیت اقتصادی دولت‌ها این مباحث در دو دهه اخیر اوج گرفته است و این که اگر دولت‌ها در گذشته وارد بخشی از فعالیت‌های اقتصادی نمی‌شدند با ورود بخش خصوصی، این فعالیت‌ها به خوبی اداره می‌شد یا خیر، مباحثی است که این مقاله قصد بررسی آن را ندارد.

مهم‌ترین هدف‌هایی که در اجرای سیاست‌های خصوصی سازی و آزاد سازی دنبال می‌شوند را می‌توان مواردی مانند ارتقای بهره‌وری و افزایش کارایی منابع مادی و انسانی در سطح ملی و در سطح بخش‌های مختلف اقتصادی، کاهش تصدی دولت و افزایش نقش مردم و بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی دانست که توسعه اقتصادی را با تقویت اعمال نظارت دولت در پی خواهد داشت. در این زمینه اعتقاد بر این است که کاهش فعالیت‌های اقتصادی و تصدی دولت که اغلب با کارایی و بهره‌وری پایین صورت می‌گیرد از یک سو با ایجاد شرایط انحصاری مانع توسعه و افزایش توانمندی‌های بخش خصوصی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی در این بخش می‌شود و از سوی دیگر دولت با درگیر شدن در فعالیت‌های اقتصادی نمی‌تواند آن طور که باید در عرصه سیاست‌گذاری به نحو مطلوب عمل کند. بر این بینش در اغلب فصل‌های حوزه‌های فرابخشی برنامه سوم توسعه، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از جمله اصلاح ساختار اداری و مدیریت، ساماندهی شرکت‌های دولتی، واگذاری سهام، مدیریت شرکت‌های دولتی، تنظیم انحصارات و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی، نظام تامین اجتماعی و یارانه‌ها، سیاست‌های اشتغال و ساماندهی

بازارهای مالی به گونه‌ای سیاست کاهش تصدی دولت و افزایش نقش مردم و بخش خصوصی و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی تاکید شده و مد نظر بوده است. به موجب ماده ۹ قانون برنامه سوم توسعه مقرر شده است که سهام دولت در شرکت‌هایی که ادامه فعالیت آن‌ها در بخش دولتی غیر ضروری است فروخته شود. در همین ماده هدف از این اقدام، ارتقای کارایی و افزایش بهره‌وری منابع مادی و انسانی کشور و کارآمد کردن دولت در عرصه سیاست‌گذاری و توسعه توانمندی بخش خصوصی و تعاونی ذکر شده است.

در فصل دهم قانون برنامه سوم که به ساماندهی بازارهای مالی اختصاص دارد و در برگیرنده بانک‌ها و صنعت بیمه است به موجب مواد ۹۲ و ۹۸ به ترتیب زمینه فعالیت مجاز انواع موسسات اعتباری غیر بانکی و بانک‌های خصوصی فراهم شده و در هر دو ماده، هدف، افزایش شرایط رقابتی بانک‌ها و گسترش بازارهای مالی و تشویق پس انداز و سرمایه‌گذاری ذکر شده است. در کنار این اقدام به دولت اجازه داده شده است که برای توسعه بهبود و کیفیت ارائه خدمات و رقابتی کردن فعالیت‌ها، آیین‌نامه‌های خاص استخدامی و اداری بانک‌ها و شرکت‌های بیمه را تصویب کند.

با این مقدمه سعی بر این است که تاثیر اجرای سیاست آزادسازی و خصوصی سازی صنعت بیمه بر کارایی و بهره‌وری در موسسات بیمه، صنعت بیمه و به طور کلی توسعه امر بیمه در کشور بررسی شود. بدین منظور اشاره به بعضی از نکات ضروری به نظر می‌رسد. این که چنان چه برای آزادسازی و خصوصی سازی هدف‌ها و پیامدهایی متصور شدیم آیا این هدف‌ها و پیامدها در هر شرایطی دست‌یافتنی است؟ دوم، زمان مناسب برای اجرای آزادسازی و خصوصی سازی، کی و در چه فاصله زمانی باید تحقق یابد. در این خصوص پیامدهای کوتاه مدت و بلندمدت کدامند و کدام یک در اولویت قرار می‌گیرند؟ در پاسخ به پرسش اول نکته مهم این است که نه همه طرفداران سیاست‌های آزادسازی و خصوصی سازی در مورد زمان و چگونگی اجرای این سیاست‌ها توافق عمومی دارند و نه مخالفان اجرای این سیاست‌ها با اصل قضیه مخالفت می‌کنند. مخالفان اغلب با ذکر این مطلب که هنوز اقدامات و شرایط برای اجرای سیاست‌ها فراهم نشده است با دید مخالفت به موضوع می‌نگرند. بدین لحاظ تبعاً آثار اجرای سیاست‌های آزادسازی و خصوصی سازی که در شرایط مختلف و یا برنامه‌های متفاوت صورت می‌گیرد یکسان نخواهد بود. در پاسخ به پرسش دوم که

آزادسازی و یا خصوصی سازی از کی آغاز و در چه زمانی تحقق یافته تلقی می شود ابتدا لازم است از هر یک از این دو اصطلاح تعریفی ارائه شود. آزادسازی عبارت از مجموعه اقدامات و اصلاحاتی است که می توان بدون آن که خصوصی سازی مطرح باشد با حذف مقررات و قوانین دست و پاگیر به نحوی عمل کرد که، مشارکت بخش خصوصی در امور اقتصادی افزون و به بهبود کارایی منجر شود. به عبارتی در شرایطی که برای ورود بخش خصوصی به فعالیت های اقتصادی ممنوعیت ها و یا محدودیت هایی وجود دارد برداشتن تدریجی این موانع را آزادسازی می گویند. و این بدان معنا نیست که با برداشتن محدودیت های قانونی در بخشی از اقتصاد، بی درنگ ورود موسسات و سرمایه های خصوصی به این بخش آغاز شود و از این تاریخ می توان پیامدهای آزادسازی را انتظار داشت. بلکه باید همزمان با برداشتن محدودیت های قانونی، سایر موانع اقتصادی و اجتماعی نیز برداشته شود و با فراهم شدن بستر، ثبات و انگیزه های لازم، رابطه مناسبی بین ریسک و بازده برای سرمایه گذاری در این بخش به ویژه در دوره های زمانی میان مدت و بلند مدت برقرار شود.

در بحث خصوصی سازی، اگر مفهوم آن را انتقال مالکیت و یا مدیریت از بخش دولتی به بخش خصوصی تعریف کنیم، می توان گفت که خصوصی سازی در واقع رفع موانع فعالیت بخش خصوصی در آن قسمت از فعالیت های اقتصادی است که قبلاً بخش خصوصی مجاز به فعالیت در آن نبوده یا به دلیل کنترل های دولت بر آن فعالیت سودآوری کافی نداشته است و زمانی تحقق یافته تلقی خواهد شد که بخش خصوصی سهمی از مالکیت، مدیریت و بازار را در اختیار گرفته باشد و بتواند به صورت رقابتی در بازار، سرمایه گذاری و فعالیت کند.

با این توضیحات قصد آن است به این نکته توجه شود که، آزادسازی و خصوصی سازی نباید یک اقدام مقطعی و یا به اصطلاح یک شبه تلقی شود، بلکه لازم است کاهش سهم دولت در فعالیت های اقتصادی و در مقابل آن افزایش سهم بخش خصوصی طبق طرح و برنامه و در چارچوب مراحل پیش بینی شده و به تدریج صورت گیرد. در این مورد اینک با در نظر داشتن ملاحظاتی که اشاره شد به بحث درباره تاثیر اجرای سیاست های آزادسازی و خصوصی سازی بر کارایی صنعت بیمه و شرکت های بیمه می پردازیم:

چنان چه کارایی را نسبت تولید واقعی به تولید استاندارد (ظرفیت تولید) تعریف

کنیم برای ارزیابی کلی اولیه می توان برای کشور دو ظرفیت بالقوه و بالفعل در نظر گرفت. برای تعیین ظرفیت استاندارد شده بالقوه می توان نسبت حق بیمه به تولید ناخالص داخلی در کشورهای با کم و بیش وضعیت اقتصادی مشابه را در نظر گرفت. حال اگر با توجه به برخی از واقعیت ها و اطلاعات این نسبت  $1/5$  درصد باشد با توجه به این که این نسبت در کشور ما حدود هفت درصد است می توان گفت که کارایی صنعت بیمه کشور بر مبنای ظرفیت بالقوه (نه بالفعل) برابر با نسبت  $0/7$  بر  $1/5$  یعنی  $47$  درصد است که این نسبت قابل انتقاد است. چرا که ما در مخارج کسر ظرفیت بالقوه را مبنا قرار دادیم در حالی که ظرفیت بالفعل باید مبنا قرار گیرد. بدیهی است در شرایطی که ظرفیت بالفعل صنعت بیمه به چند شرکت دولتی محدود است (که در دو دهه اخیر سرمایه جدیدی به آن ها تزریق نشده و هر یک در جذب سایر منافع از جمله نیروی انسانی با محدودیت هایی مواجه بوده اند) بین ظرفیت بالقوه و ظرفیت بالفعل فاصله وجود دارد و بخشی از ناکارایی مشهود در نسبت فوق از همین علت ناشی می شود. البته نباید از نظر دور داشت که  $1/5$  درصدی که برای نسبت حق بیمه به تولید ناخالص داخلی مبنا قرار گرفت، به کشورهای مربوط می شود که هنوز از ظرفیت بالقوه بیمه ای خود استفاده نکرده اند.

با این توضیح می توان امیدوار بود که صنعت بیمه با سیاست های آزادسازی و خصوصی سازی بتواند سهم درخوری از منابع جامعه از جمله نیروی انسانی، سرمایه، تکنولوژی و مدیریت را به خود جذب و جلب کند و بدین ترتیب با ظرفیت سازی فاصله بین ظرفیت بالفعل و ظرفیت بالقوه را کاهش دهد و در نهایت این دو ظرفیت را برابر کند. کما این که در برخی از بازارهای توسعه یافته بیمه هم اکنون مشکل اضافه ظرفیت وجود دارد. در چنین شرایطی است که نه تنها به لحاظ ایجاد رقابت سالم انزایش کارایی الزامی می شود بلکه حتی با درجه کارایی ثابت نیز سهم و نقش صنعت بیمه در کل اقتصاد افزایش می یابد.

بدیهی است تا قبل از تحقق خصوصی سازی در بازار بیمه شرکت های معدودی که سهام آن ها متعلق به دولت است کماکان بازار بیمه را در اختیار خواهند داشت. در چنین شرایطی هدف دولت در نقش سهام دار در شرکت های بیمه به سودآوری محدود نمی شود و همواره هدف های اجتماعی در کنار هدف سودآوری قرار می گیرد. چرا که اصولاً دخالت دولت در امر بیمه گری صرفاً به این دلیل نبوده که بیمه گری کار پرسودی

است و به این لحاظ بخش خصوصی نباید در آن مداخله کند. بلکه در مقاطعی احساس شده است که بدون دخالت دولت در عرضه بیمه، صرف هدف سودآوری مانع از توسعه مطلوب بازار بیمه خواهد بود. با گشایش بازار به روی بخش خصوصی، سرمایه گذارانی در شرکت‌های بیمه سرمایه گذاری می‌کنند که انتظار دارند سهام آن‌ها دارای بازده مناسب باشد. طبیعی است چنان چه مدیریت شرکت پاسخ گوی این انتظار سهام داران نباشد، اگر نگوئیم در کوتاه مدت، در میان مدت و بلند مدت سرمایه خود را یا به دیگر شرکت‌های بیمه که سهام آن‌ها بازده مطلوب‌تری دارد یا به دیگر بخش‌های سودده منتقل می‌کنند. بنابراین چنین شرکتی در تامین منابع مالی لازم، در زمان الزام توسعه بازار با مشکل مواجه خواهد شد.

در صورتی که این شرکت بیمه بخواهد از طریق افزایش بی مورد قیمت یا کاهش کیفیت خدمات خود به سودآوری خویش بیفزاید و از این راه پاسخ گوی انتظارات سهام داران باشد نیز در شرایط رقابتی، بازار و مشتریان خود را از دست خواهد داد و بدین ترتیب با مشکل سودآوری مواجه خواهد شد.

با توجه به این توضیحات، در عرصه عمل در شرایط رقابتی، شرکت‌هایی موفق خواهند بود که بتوانند با افزایش کارایی و بهره‌وری، انتظارات گروه‌های گوناگون ذی‌نفع را در ارتباط با عملیات شرکت از جمله مشتریان، سهام داران، کارکنان، نمایندگان و شرکت‌های بیمه اتکایی را که در تعارض با یکدیگر قرار دارند به نحو مطلوبی پاسخ دهند. حال این پرسش پیش می‌آید که افزایش کارایی و بهره‌وری برای صنعت بیمه و یا برای شرکت‌های بیمه تا چه حد لازم و امکان‌پذیر است. همان‌گونه که گفته شد مردم و بخش خصوصی سرمایه‌های خود را به سمتی سوق می‌دهند که انتظارات آن‌ها را از نظر بازدهی مطلوب‌تر برآورده کند. بر این اساس چنین سرمایه‌هایی زمانی به صنعت بیمه جذب خواهد شد که فعالیت بیمه‌ای در مقایسه با دیگر فعالیت‌های اقتصادی به نحو مناسب‌تر یا لااقل برابر با سطح انتظارات باشد.

این که پس از رقابتی شدن بازار بیمه، کارایی و بهره‌وری تا چه حد افزایش می‌یابد به درجه، شدت و کیفیت رقابت بستگی دارد. هر چه تعداد شرکت‌های بیمه و رقابت بیشتر می‌شود شیوه‌ها و ابزارهای رقابتی نیز افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی هر یک از شرکت‌های بیمه برای کسب موقعیت‌های جدید یا لااقل حفظ موقعیت خود در مقایسه با شرکت‌های رقیب، تلاش می‌کند برای خود مزیت رقابتی ایجاد کند. ایجاد مزیت

رقابتی برای یک شرکت در محیط رقابتی جز با تلاش، خلاقیت و ابتکار در پیشی گرفتن از شرکت‌های رقیب امکان‌پذیر نخواهد بود. بدیهی است هر چه رقابت بیشتر می‌شود تعداد بازنده‌ها و برنده‌ها بیشتر خواهد بود در این میان نتیجه تلاش در بخشی از فرایند عملیاتی شرکت ممکن است با کندی و بی‌حرکی در بخش دیگری از شرکت بی‌اثر شود و یا افزایش در کارایی درونی با تغییرات محیطی و اقدامات رقبا، اثر بخشی لازم را نداشته باشد. بنابراین در محیط رقابتی، شرکت‌هایی در عرصه عمل موفق خواهند بود که در تلاش یک پارچه و هماهنگ و با خلاقیت و ابتکار مستمر، کارایی خود و بهره‌وری از منابع در اختیار را افزایش دهند. بدیهی است هر چه کارایی و بهره‌وری از منابع در شرکت افزایش می‌یابد امکان جذب منابع مالی و نیروی انسانی متخصص بیشتری را طلب می‌کند که رشد و توسعه فعالیت‌های شرکت را در پی خواهد داشت. هر چه، تعداد شرکت‌های موفق فعال در بازار بیمه بیشتر باشد نفوذ به بخش‌های احیا نشده یا کمتر احیا شده بیشتر می‌شود که رشد و توسعه امر بیمه را موجب خواهد شد.

کاهش نرخ‌های بیمه در شرایط بعد از آزاد سازی و خصوصی سازی یکی از دیگر عواملی است که افزایش کارایی در شرکت‌های بیمه را الزامی می‌کند. با افزایش تعداد شرکت‌های بیمه و رقابت در صنعت بیمه، یکی از راهکارهایی که شرکت‌های بیمه برای جذب مشتری انتخاب می‌کنند جداسازی مشتریان با ریسک کم از مشتریان با ریسک بالا در یک گروه است. شرکتی که بر اساس توان تجربی و اطلاعاتی و با استفاده از امکانات تکنولوژی می‌تواند بیمه‌گذاران با ریسک کم را از بیمه‌گذاران با ریسک بالا متمایز کند قادر خواهد بود حق بیمه‌هایی را که تا قبل از آن برای میانگین گروه بیمه تعیین می‌شده است برای بیمه‌گذاران با ریسک کم به میزان درخور توجهی کاهش دهد و در مقابل، برای گروه با ریسک بالا حق بیمه‌های سنگین‌تری در نظر بگیرد.

در این شرایط طبیعی است که بیمه‌گذاران با ریسک کم به این شرکت جذب شوند و بیمه‌گذاران با ریسک بالا به سمت دیگر شرکت‌های بیمه که هنوز چنین اقدامی نکرده‌اند، روی آورند. در جریان چنین رقابتی، یارانه‌ای که قبل از آن مشتریان با ریسک کم در عمل به مشتریان با ریسک بالا پرداخت می‌کردند حذف می‌شود. برای مثال دیگر نمی‌توان انتظار داشت که بخشی از حق بیمه رانندگان خطر ساز را رانندگان ماهر و خوب پردازند و یا اصولاً و به لحاظ رقابت، امکان تامین زیان یک رشته بیمه از محل سود غیر منطقی رشته دیگر وجود نخواهد داشت. این امر با حجم فعالیت ثابت، حق بیمه کمتری

را برای صنعت بیمه و شرکت‌های بیمه در پی خواهد داشت که چنین کاهشی الزاماً باید از طریق افزایش کارایی و بهره‌وری از منابع و کاهش هزینه‌های غیر ضروری تامین شود. عامل دیگری که با اجرای سیاست‌های آزاد سازی و خصوصی سازی موجب افزایش کارایی شرکت‌های بیمه می‌شود حذف و کاهش مشکلات و موانعی است که تا قبل از اجرای این سیاست‌ها در اداره امور شرکت‌های بیمه به صورت دولتی وجود دارد. شرکت‌های بیمه موجود، هر چند از بخشی از مقررات عمومی مربوط به دستگاه‌های دولتی مستثنی هستند ولی در هر حال به انواع گوناگون درگیر و مشمول ضوابط و مقرراتی می‌شوند که بر تخصیص و به کارگیری منابع موجود محدودیت‌هایی اعمال و یا اصولاً جذب منابع جدید به شرکت را مشکل یا غیرممکن می‌کند. برای مثال جذب و تربیت نیروی انسانی که اصلی‌ترین و موثرترین منابع و دارایی‌های یک شرکت به ویژه شرکت خدماتی را تشکیل می‌دهد در شرکت‌های دولتی با مشکلات خاص خود مواجه است و همواره تحت تاثیر سیاست‌ها و محدودیت‌های کلی مربوط به شرکت‌های دولتی قرار می‌گیرد. امکان افزایش سرمایه و جذب منابع مالی جدید که لازمه رشد و توسعه شرکت‌های بیمه است از طریق بازار سرمایه برای شرکت‌های دولتی فراهم نمی‌شود چرا که کلیه سهام باید متعلق به دولت باشد. افزایش سرمایه دولت در شرکت نیز همواره با مشکلات و محدودیت‌های بودجه‌ای مواجه است. امکان اجرای سیاست‌های اقتضایی در شرکت‌های دولتی فراهم نیست به این شکل که یا همه شرکت‌های دولتی باید افزایش حقوق بدهند یا هیچ یک مجاز به آن نمی‌باشند، و چنان چه اقدامی به صورت کلی برای کلیه شرکت‌های دولتی ممنوع شود هر اقدامی هر چند کوچک و هر چند توجیه‌پذیر بر خلاف آن قانوناً میسر نخواهد بود.

یکی از راه‌های افزایش کارایی و بهره‌وری در استفاده از منابع، توان انعطاف و پاسخگویی سریع به تغییرات محیطی است که لازمه آن عدم تمرکز، پرهیز از دیوان سالاری و قدرت تجدید سازمان و گسترش سازمان و تشکیلات است که از تمامی این ابعاد، موضع مدیریت شرکت‌های خصوصی از شرکت‌های دولتی برتر است. لذا با افزایش شرکت‌های بیمه خصوصی می‌توان انتظار داشت که کارایی این شرکت‌ها به میزان چشم‌گیری افزایش یابد.



## نقش دولت در کارایی بازار بیمه

برخلاف اغلب دیگر رشته‌های صنعتی و خدماتی که فروشنده بعد از تحویل کالا یا خدمات و یا همزمان با تحویل، قیمت را از مشتریان خود دریافت می‌دارد. شرکت‌های بیمه در زمان صدور بیمه نامه و دریافت حق بیمه تنها تعهداتی را برای آینده در قبال مشتریان خود می‌پذیرند. این تعهدات در مورد هر یک از مشتریان ممکن است معادل کل یا بخش عمده‌ای از دارایی یا سرمایه یک شخص یا یک شرکت باشد و در مجموع مشتریان، تعهدات بسیار سنگینی را شامل شود. بر این اساس بخش عمده‌ای از دارایی‌های شرکت بیمه را تعهدات آن شرکت در قبال مشتریان تشکیل می‌دهد. حال اگر در جریان رقابت و به دلایل فنی و مدیریتی و به علت محاسبه نادرست حق بیمه‌ها یا مدیریت نادرست دارایی‌ها شرکت بیمه ورشکست شود تنها سهامداران یا مدیران متضرر نخواهند شد بلکه آثار چنین ورشکستگی متوجه بخش بزرگی از جامعه و اقتصاد خواهد شد. در چنین شرایطی است که نقش دولت در نظارت بر شرکت‌های بیمه اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. بنابراین برای حفظ حقوق بیمه‌گذاران لازم است که نهاد نظارت کننده بر شرکت‌های بیمه در کشور (بیمه مرکزی ایران) به طور مستمر توان مالی بیمه‌گران را ارزیابی و اطمینان حاصل کند که این شرکت‌ها قادر به ایفای تعهدات خویش هستند. بدیهی است اهمیت چنین نظارتی در شرایطی که فرهنگ بیمه در حد لازم توسعه نیافته و بازار بیمه در حال تحول و تغییر ساختار است دو چندان می‌شود. لذا همگام با اصلاح ساختار و آزادسازی، اصلاح و متناسب سازی شیوه‌های نظارتی نیز ضروری است.

## منابع

۱. سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
۲. وزارت امور اقتصادی و دارایی، گزارش‌های مختلف بیمه‌ای.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی